



سعید جباری

# ماجرای عکس این چند زن

اشاره:

امروزه با گسترش و تنوع کارکرد رسانه‌های گروهی، جایگاه مطبوعات کاغذی در شکل‌دهی و ایجاد رفتارهای اجتماعی غیر قابل انکار شده و کار به جایی رسیده که متخصصان و مهندسان اجتماعی و رسانه‌ای معتقدند یادگیری و نابوسازی از تصاویر و پیام‌های این شبکه‌ها و مؤسسات تصویری و خبری جهان، حتی در دور افتاده‌ترین نقطه از یک کشور توسعه نیافته هم نمود عینی دارد. ظاهر آبوم فرهنگ‌ها و خرده سنت‌های یک قوم در روستاهای ایران نیز بدون تأثیر از امواج تلویزیونی یا نوشتار مطبوعات تکامل نیافته است و در این میان نقش تصاویر چیز دیگری است.

از سوی دیگر هنر گرافیک و چاپ نوین با استخراج نرم‌افزارهای جدید کامپیوتری عکس‌هایی را از پس فلش‌های دوربین عکاسان خلق می‌کند که ضمن زایش هنری، پس‌لرزه‌هایی هم در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی به جای می‌گذارد. بررسی نحوه مواجهه سیستم قضایی کشور با جایگاه عکس مطبوعاتی طی سال گذشته موضوع جالبی می‌تواند باشد که از فاصله یا شاید تضاد میان رشد کیفی هنر عکاسی مطبوعاتی و نگاه ایدئولوژیکی به این پدیده حکایت دارد.

روزنامه‌های عصر ناصری استفاده شده و ژورنال‌یسم ایران متحول گردید.

تصویر و عکس هم اکنون از عناصر اصلی و با اهمیت گزارش‌ها، مقالات، اخبار، داستان‌ها و پاره گزارش‌ها و یادداشت‌های مطبوعات جهان و ایران و شبکه‌های تلویزیونی ایران محسوب می‌شوند. هرچه فشار حکومت‌ها یا نهادهای عمومی یا سیاسی و امنیتی برای کسب و جمع‌آوری اطلاعات و اخبار

ثبت کرد. این عکس‌ها در دست نیستند اما نقاشی‌هایی موجودند که از روی آنها کشیده شده‌اند.

عکاسی در عهد ناصری به دارالفنون راه یافت و با دربار نیز عجین شد بطوری که سمت عکاسی باشی در دربار به وجود آمد، البته جهانگردان خارجی در پیدایش عکاسی در ایران نقش مهمی ایفا کردند در همین دوره بود که از عکس و تصویر در

تاریخ ورود نخستین عکس چاپی به ایران دقیقاً معلوم نیست اما شواهد تاریخی موجود می‌گویند که "ملکه ویکتوریا" و "تزار نیکلای اول" هر یک برای محمدشاه قاجار دستگامی عکاسی هدیه کردند و به همین مناسبت "ژول ریشار" نظامی فرانسوی این دوربین‌ها را در دسامبر ۱۸۴۴ میلادی به راه انداخت و در آن روز تصویر ناصرالدین میرزا ولیعهد و خواهرش عزت‌الدوله را بر صفحه نقره‌ای

وقایع و حوادث جوامع برای خبرنگاران بیشتر می‌شود فتوژورنالیسم امکان آزداسازی بزرگراه‌های اطلاعاتی و خبری را نزدیک‌تر می‌سازد.

به عبارت دیگر، عکس صداقت دارد و واقعیات موجود را مخابره می‌کند. به همین دلیل است که نقش مطبوعات را بیش از پیش پراهمیت جلوه می‌دهد. چون آنها خود آینه تمام‌نمای فرهنگ یک جامعه هستند.

از نظر فتوژورنالیسم، بینندگان عکس، درک خاص خود را از آن تصویر دارند و نمی‌توان مفهوم دیگری را بدون خواست بیننده بر ذهن تصویری او القا کرد. فرهنگ بیننده نیز متقابلاً عامل چالش دوربین با سوژه‌های عکاسی است و همین نکته را باید بررسی کرد تا متوجه شد چرا عکس‌های خاصی در مطبوعات یک کشور برجسته می‌شوند.

تنوع نشریات و مجله‌های ایرانی در حال حاضر وسعت زیادی دارد و از هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی گرفته تا حوزه‌های تخصصی مثل پزشکی، روانپزشکی، دندانپزشکی، بیماری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، زنان، کودک و نوجوان، خانواده، تلویزیون، سینما و تئاتر و... را در بر می‌گیرد.

غیر از عکس‌های خبری که در صفحات روزنامه‌های سراسری کشور شکل و جایگاه جدی‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، تصاویر هنری به ویژه در بخش سینما و تئاتر نیز امروزه جزء لاینفک نشریات غیرسیاسی شده است.

وضعیت فرهنگ و ارتباطات اجتماعی در دوره گذشته به گونه‌ای بود که دیگر نیاز به بررسی شاخص‌های کیفی صنعت عکاسی در نشریات وقت آن زمان نیست اما با عبور از دوره انقلاب و پایان هشت سال جنگ تحمیلی این وضعیت متحول شد و با روی کار آمدن دستاوردهای حکومتی و عرفی نظام اسلامی، اجزاء فرهنگ و هنر از جمله موضوع عکاسی و فتوژورنالیسم نیز تغییر کرد.

بعد از انقلاب سال ۵۷ دیگر قرار نبود زنان برهنه یا بی‌حجاب و به طور کلی فرهنگ عمومی بر خاسته از رژیم شاهنشاهی که امروزه بی‌بند و باری خوانده می‌شود سوژه عکاسی قرار گیرند و البته شاید در غیر این صورت چنین سوژه‌هایی نیز یافته نمی‌شد! بنابراین فتوژورنالیسم ایران در دهه گذشته از منظر دیگران که چه بسا باید جامعه‌شناسان،

متخصصان رسانه‌ها، جرم‌شناسان، صنعتگران عرصه هنر و مسئولان نهادهای اجتماعی کشور می‌بودند مورد توجه نبوده و صرفاً هرگاه عکسی به جوایز یا جشنواره‌ها و مسابقات جهانی راه یافته در مقابل دوربین و قضاوت همگان قرار گرفته است.

سال‌های آغازین تحولات اجتماعی، سیاسی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ با دگرگونی ژورنالیسم کشور و حرکت روزنامه‌ها و نشریات به سمت دوره‌ای جدید از عمر خود که با عنوان جنبش دوم خرداد عجین شده بود، روند نوظهوری نیز در فتوژورنالیسم رقم زد. طی ۶ و ۷ سال گذشته شاهد بودیم که با افزایش تعداد و تنوع مطبوعات به ویژه سیری که در صدور مجوز انتشار آنها وجود دارد، مخاطبان بیشتری جذب عکس و عکاسی شده‌اند. در این شرایط اوضاع به گونه‌ای بوده که مجموعاً در سطح کلان مسایلی ساختار فرهنگی و اجتماعی را تحت تاثیر رسانه‌ها و ارتباطات اجتماعی، افزایش سطح آموزش و تحصیلات، تغییر رفتارهای مدنی حکومت و افزایش ورود خرده فرهنگ‌های دیگران متحول کرده‌اما با وجود تمامی تغییرها، همچنان یک موضوع بدون تغییر باقی مانده است:

"یعنی نگاه حقوقی و قهری به موضوع فتوژورنالیسم بدون در نظر گرفتن هنر و واقعیات اجتماعی امروز ایران"

### عکس به مثابه آلت جرم

طی چند ماه گذشته به ویژه از اواسط سال ۸۲، سیستم قضایی کشور دور جدیدی از برخورد با نشریات را با عناوین اتهامی مربوط به تصاویر و عکس در قانون جزای اسلامی و مطبوعات آغاز کرد. حداقل ۳۰ پرونده در یک شعبه دادرسی جرایم کارکنان دولت و رسانه‌ها تحت رسیدگی قرار گرفتند که همه آنها با عکس و عکاسی در نشریات مرتبط بودند. دادرسی عمومی انقلاب احضار و تعقیب بسیاری از مطبوعات را با اعلام مدعی العموم بر عهده چند شعبه خود گذاشت. حضور حجت‌الاسلام خلفی که پیش‌تر در مسئولیت محاکم امور ارشاد و منکرات قرار داشت به عنوان رئیس در دادرسی جرایم رسانه‌ها موجب شده مسایلی عکس و تصویر با دقت نظر خاصی از سوی

شعب بازپرسی این مرکز مورد توجه قرار گیرند. چنان که شعبه ششم این دادسرا پرونده‌های زیادی را با عناوین مجرمانه راهی دادگاه کیفری تهران کرد.

تماشاگران - پیرامون - جدول - گل گشت و کنکاش - آسیا، لوتوس - چلچراغ - کوچه ما - طبرستان - بهارانه - وطن - فیلم و سینما - وقت - کتاب هفت - بیست‌ساله‌ها - دنیا آهنگ زندگی - فیلم نگار - تجارت بین الملل - جستجو - دنیای امروز - سینما تئاتر - فیلم و ماهان از جمله نشریاتی بودند که توسط قوه قضائیه با محدودیت مواجه شده و مدیران مسئول آنها تحقیق یا محاکمه شدند. ضمن آن که روزنامه‌های سراسری نیز به این لیست اضافه شدند.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۴۰ خود می‌گوید "هر کس نوشته یا طرح، گزار، نقاشی، تصویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما یا به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را

### ماده ۲۸ قانون مطبوعات درباره مجازات استفاده ابزاری از تصاویر خلاف عفت عمومی صراحت دارد

جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی بگذارد یا بسازد یا برای تجارت یا توزیع نگه دارد به حبس از ۳ ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا ۶ میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهد شد". این ماده آن طور که محاکم تفسیر می‌کنند مشمول افراد عادی جامعه می‌شود و به مطبوعات اختصاص ندارد. اما ماده ۲۸ قانون مطبوعات صراحتاً عنوان می‌کند: "انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد شد". همچنین بند دوم ماده ۶ همین قانون انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی را از جمله حدود مطبوعات دانسته است که نباید به این کار اقدام کنند. در عین حال بند ۱۰ ماده ششم قانون مطبوعات که با اصلاحیه سال ۷۹ در تاریخ ۷۹/۱/۳۰ به این قانون ملحق و موجب انتقاد برخی از نمایندگان مجلس و کارشناسان و فعالان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

جامعه شد. استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و محتوا و تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ، تشریفات و تجملات نامشروع وغیرقانونی" را از جمله حدود

کاملی به این پدیده وجود ندارد و سیاست‌های کیفری کشورمان درباره این مسأله همچنان دچار دوگانگی است.

قوانین موجود دارند. می‌پرسم که چگونه تشخیص می‌دهید عکس خلاف عفت، اشاعه منکرات یا استفاده ابزاری از افراد است؟ که این بازپرس دادسرای تهران پاسخ می‌دهد: "تشخیص قضایی از روی عرف است. ظاهر این تصاویر بررسی می‌شود و اگر از نظر حجاب و پوشش نامناسب تشخیص داده شوند قرار مجرمیت برای مدیرمسئول صادر می‌شود. اگر پوشش زنان در عکس چاپ شده همراه با رعایت موازین اسلامی به طور کامل نباشد اشاعه منکرات خواهد بود و اگر موازین شرعی به طور آشکار و خیلی واضح در عکس نقض شده باشد و از منظر عمومی جریحه دار کننده باشد، خلاف عفت محسوب می‌شود. اتهام استفاده ابزاری از افراد نیز در تصاویر زمانی مطرح می‌شود که عکس اشخاص مشهور به شکل برجسته، با بزرگ‌نمایی، به تعداد زیاد و بر روی جلد نشریات چاپ می‌شود"

به نظر می‌رسد علی‌رغم آن که نگاه قضایی، نوعی نگاه جرم‌شناسانه است ولی تاکنون

امروزه حقوقدانان با توجه به جرایم مندرج در قوانین کیفری به تعریفی که قانون‌گذار از جرم به عمل آورده اکتفا می‌کنند در صورتی که جامعه‌شناسان بر ضرورت بررسی موضوعات اجتماعی تاکید دارند و جرم‌شناسان بر مبنای اصول

جرم‌شناسی بزه را تعریف می‌کنند چنان که در ایران هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود، اما متأسفانه تضاد یا ناهماهنگی ساختار اجتماعی با تعاریف قضایی موجب تامل بیشتر بر سر عناوین اتهامی مذکور شده است.

قوه قضاییه چاپ و انتشار تصویر و عکس زنان و مردان هنرمند و مشهور را در صفحات نشریات معمولاً اگر از نمای نزدیک باشد یا تصویری برجسته محسوب شود استفاده ابزاری، اشاعه منکرات یا تصاویر خلاف عفت به حساب می‌آورد.

ولی در مقابل، مدیران مسئول این نشریات و دست‌اندرکاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شاید مسئولان صدا و سیما برداشتی متفاوت از این مسأله دارند.

حسینیان بازپرس شعبه ششم دادسرای جرایم رسانه‌ها می‌گوید: اکثر این پرونده‌ها با اعلام جرم مدعی‌العموم مفتوح می‌شوند و صدور قرار برای این متهمان به خصوصیات آنها باز می‌گردد و البته نوع عکس‌های چاپ شده نیز نقش مهمی نسبت به

## در ارتباط با بر خورد با مسأله استفاده ابزاری از تصاویر وحدت رویه وجود ندارد

مطبوعات اعلام کرده است. در حال حاضر در رسیدگی قضایی به پرونده نشریاتی که در رابطه با چاپ عکس مورد تعقیب قرار می‌گیرند ۳ نوع اتهام و عنوان مجزا قابل تفکیک است: ۱- استفاده ابزاری از افراد در تصاویر به قصد فروش بیشتر نشریه و جذب مخاطب ۲- چاپ و انتشار تصاویر خلاف عفت عمومی ۳- اشاعه منکرات با استفاده از تصاویر

وجه مشترک عمده این پرونده‌های اتهامی آن است که سوزه عکس مربوط به زنانی است که به زعم شاکای یا مدعی‌العموم به شکل نامناسب خود موجب اشاعه منکرات و تبلیغ فحشا می‌شود. حال آن که اغلب این تصاویر از چهره‌های مشهور سینما، ورزش، موسیقی و تئاتر گرفته شده است. تصاویر هنرمندانی همچون هدیه‌تهرانی، نیکی کریمی، پگاه آهنگرانی، گروه آرین و حتی خوانندگان مرد کشور بارها پس از چاپ در مطبوعات مورد شکایت و اعتراض نماینده مدعی‌العموم قرار گرفته است. نمایندگان سیستم قضایی و محاکم می‌گویند که این عکس‌ها به قصد جذب مخاطبان برای فروش بیشتر نشریه مورد استفاده ابزاری قرار می‌گیرند. ضمن آن که تصاویری دیگر نیز به ویژه عکس هنرپیشگان خارجی موجب ترویج فساد و بی‌بندوباری می‌شوند. نباید تصویر یک زن مسلمان از نمای نزدیک به شکل برجسته‌ای در معرض عموم به نمایش گذاشته شود یا آن که نشریه‌ای، آرایش و زیبایی چهره زنان مسلمان را مورد تبلیغ قرار دهد. حتی از تصاویر تشریفاتی و تجملاتی مردان نیز نباید سوء استفاده شود و ...

آنچه در این میان بارها مورد انتقاد قرار گرفته و شاید در محاکمات این دسته از نشریات کشور مورد بی‌توجه واقع شده این است که نگاه جرم‌شناسانه



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو IATA)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهارده ساله سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاه‌نظری

پلاک ۴۱ صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵

تلفن: ۲۲۷۰۰۶۲ - ۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۱۰۲۶

فاکس: ۲۲۷۰۰۶۲

درباره عناوین یزهکارانه مورد بحث به شکل پژوهشی و تحقیقی بررسی صورت نگرفته است. باید دید که آیا انتشار این تصاویر در نشریات موجب افزایش تیراژ و مخاطب آن شده است یا نه؟ چقدر افزایش فروش به خاطر این عکس‌ها تحقق پیدا کرده است؟ استفاده از این نشریات منجر به وقوع چه نوع انحرافات و جرایمی شده است؟ ...

## یک فلش - صدها تصویر و چند ایراد!

آنجا که تصاویری از افراد به شکل نامناسب

## سوء استفاده از تصاویر زنان و مردان جرم محسوب می شود

یعنی مستهجن و خلاف عفت عمومی چاپ می شود که دیگر بحثی نیست و معمولاً در این موارد اندک در محاکمات، مدیران مسئول خود نسبت به اشتباه صورت گرفته عذرخواهی می کنند. البته این اشتباه شاید حتی در تصاویر مختلف رسانه بزرگی چون سیمای کشور رخ داده باشد و تشخیص مجرمیت یا بی گناهی متهم بستگی به نظر هیات منصفه دارد. به ندرت دیده شده که در این موارد مدیر مسئول اعلام کند که تصویر چاپ شده ناشی از خطای انسانی یا فنی بوده و لذا با پذیرش اشتباه رخ داده، مانع ادامه چنین اتفاقاتی خواهد شد. اما دیدگاه حقوقی و اجتماعی افکار عمومی می خواهد بداند یک فلش از دوربین عکاسی یا فیلمبرداری چند تصویر دارد؟!

امروزه ورود هنرمندان و ورزشکاران مشهور به عرصه تبلیغات چنان رونق یافته که نمی توان بین این پدیده و موضوع استفاده ابزاری از افراد در دستگاه قضایی تعریف حقوقی جامعی ارائه کرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی حوزه فرهنگ عمومی کشور مجوزهای بی شماری را برای انتشار کتب، مجلات، آلبوم های عکس، تصاویر، نمایشگاه ها، فیلم های سینمایی، تئاتر و امور مشابه صادر می کند.

از این بین تعداد زیادی از آثار فرهنگی پایشان به مطبوعات کشیده می شود. همین مساله موجب می شود نسبت به تفاوت نگرش وزارت فرهنگ و ارشاد و دستگاه قضایی به موضوع عکس و تصویر

تامل شود. هر دوی این نهادها در جامعه اسلامی ایران با تبعیت از قانون اساسی و توجه به مقررات جزایی و آیین نامه های ویژه خود فعالیت می کنند. حال آن که وزارت ارشاد پس از تمیزی های خود اجازه چاپ کتاب تصویرداری را می دهد که همین کتاب بعدها پس از چاپ شدن مورد شکایت قرار می گیرد. از سوی دیگر، شبکه های مختلف سیمای جمهوری اسلامی فیلم ها و برنامه هایی را به تصویر می کشند که بدون شک در صورت چاپ نماهایی از آن در صفحات مطبوعات شاهد اعلام جرم نماینده مدعی العموم خواهیم بود.

این ضعف قانونی که نوعی تبعیض و بی عدالتی در مواجهه بین تصاویر مشابه بین تلویزیون دولتی کشور و مطبوعات را دامن می زند خود نشان از ناکارآمدی

این بخش از قانون مطبوعات دارد که موجب می شود به خاطر نبود وحدت رویه در سیاست های کیفری، افکار عمومی نسبت به مجازات برخی متهمان برخورد معکوس داشته باشد. مخاطبانی که برنامه هایی مثل سینمای حرفه ای، سینما ۴ و بعضی سریال های تلویزیونی داخلی را می بینند سوال می کنند چرا مطبوعات به خاطر چاپ عکس چند هنرمند که تصاویری بیشتر و به مراتب نامحدودتر از آنها در تلویزیون، سینماها، تبلیغات کالاها و در شبکه های اینترنتی و ماهواره ای به تعداد چند صد میلیونی منتشر می شود، مورد مواخذه و محاکمه قرار می گیرند؟

آیا انطور که وکیل مدافع نشریه تجارت بین الملل در دادگاه گفت: صنایع

وسیمای تصاویر زنان برای جذب مخاطب و ایجاد رغبت در جوانان استفاده ابزاری می کند؟

مخاطبان بسیاری در جامعه ایران به شکل تخصصی، نشریات هنری را تفریح می کنند آنها انتظار دارند چه تصاویری در این نشریات غیر از هنرمندان و مسایل هنری ببینند؟ فرخی مدیر مسئول سینما تئاتر هنگام محاکمه در شعبه ۷۶ کیفری وقتی تأکید کرد عکس های چاپ شده در نشریه را از کتاب ۴۰۰ صفحه ای مجوز دار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده سوال کرد: به جای عکس هنرپیشه و موسیقیدان چه چیزی باید چاپ کنیم. عکس

سیب زمینی را؟!

حتی نشریات تخصصی زنان یا بولتن های داخلی ارگان ها نیز با طرح اتهام استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و اشاعه منکرات مواجه هستند. نشریه تجارت بین الملل هنگامی در دادگاه محاکمه شد که انتشار عمومی آن تأیید شد و عنوان گردید که این نشریه در سطح سفارت خانه ها به شکل ابونمان داخلی با همکاری وزارت ارشاد منتشر شده و درباره تجارت پوشاک نیز تصاویری چاپ کرده است.

مدیر مسئول مجله لوتوس (اولین ژورنال تخصصی لباس زنان) نیز از سوی بازپرس دادسرا در رابطه با همین نوع اتهامات تحت تعقیب قرار گرفت. وقتی مدیران مسئول این نشریات با برخی تناقضات رایج موجود مواجه می شوند می پرسند: باید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پاسخ دهد که اگر این تصاویر نامناسب و خلاف عفت عمومی هستند چرا اجازه بازی در فیلم ها به این هنرپیشه ها داده می شود؟ تکلیف سینماها و فیلم ها چیست؟ مگر فیلم هندی در تلویزیون کشور پخش نمی شود؟ مگر عکس ها و نوارهای صوتی گروه آرین در هر نقطه ای از شهرهایمان به فروش نمی رسد؟ چرا خود این اشخاص عموماً به عنوان شاکی خصوصی به خاطر سوء استفاده از تصاویرشان شکایت نمی کنند؟ ...

پرونده استفاده ابزاری از افراد در تصاویر،

## توزور نالیسم توانسته جایگاه ویژه ای در مطبوعات بدست بیاورد

موضوعی است که با اصلاح مجلس پنجم در سال ۷۹ گشوده شد و اینک نیز به نظر می رسد با اصلاحیه ای از سوی مجلس هفتم قابل رفع باشد. گشت و گذاری در سطح شهرهای ایران به ویژه پایتخت و بررسی وضعیت نشر و چاپ آثار هنری و کتب، بررسی تخصصی راهکارهای جرم شناسی و سیاست های جنایی همگی تأکید دارند که سوژه عکاسی خبری یا هنری مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۳ چیزی جز واقعیات اجتماعی آن و پدیده های مادی و معنوی موجود در این سرزمین نمی تواند باشد.